



نشانه های منافق

۴ - وَاذَارِبْتَهُمْ تَعْلِيكَ اِجَاءِهِمْ وَان يَقُولُوا نَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ
كَانَهُمْ خَشَبٌ مِّنْهُنَّ يَخْتَمُونَ كُلَّ صِدْقَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الَّذِي وَقَفَا حُزْرَهُمْ
وَاَنذَاهُمْ اِنَّهُ اَنَّى يُؤْفَكُونَ .

منگامیکه آنها را عیبینی ، شکل و قیافه آنها ترا به شکفت
میاورد ، و اگر سخن بگویند (بر اثر قیافه حق به جانبی که به خود
میگیرند ترا به سخنان خود جلب مینمایند) و به گفتار آنها گوش
نمیدهند ، گویا آنها جو بدبائی هستند که بدیوار تکیه داده شده ،
هر صدایی را بر ضد خود می پندارند ، دشمنان واقعی آنها هستند ،
از آنها پرهیز ، مرگ بر آنها ، چگونه از حقیقت روی گردانند .
هدف آیه بیان علائم و نشانه های منافقانست که بوسیله این علائم میتوان منافق را از مؤمن

تشخیص داد .

این نشانه ها نوعاً جنبه کلی و عمومی دارند ، وهم اکنون این علائم بر سر منافقان عصر
خود ما نیز سایه افکن است . اینک بیان آنها :

۱- خوش قیافه و دارای قیافه حق بجانبند

منافقان عصر رسالت افرادی خوش قیافه و دارای حسن منظر بودند ، عبدالله بن ابی سدره
سلفقین و دوستان و همفکران وی افرادی بلند قامت و خوش قیافه بوده و از زیبایی ظاهر بهره کافی
داشتند (۱) بنابراین نمیتوان آنها را يك نشانه کلی و عمومی دانست .

(۱) مجمع البیان ج ۱۰ - سوره منافقین

ممکن است مقصود از جمله «و از آریتم» تعجبک اجسامهم این باشد که افراد متناقض در بر خورده افراد مؤمن ، قیافه حق بجانبی بگیرند این قیافه وسکونت و آرامش و نگاههای آرام آنان (که همگی برای پوشیدن ثنای درونی است) همه را به موجب و امید دارد و تصور میکنند که آنها افرادی صالح میباشند ، شاید این احتمال نسبت به ظاهر آیه از منافی که مفسران گفته اند نزدیکتر باشد ، در روی این احتمال ، یک نشانه کلی و یاغالی خواهد بود و منافقان برای پوشانیدن صفت نفاق خود ، و جاذبه خویش در جرگه مؤمنان ، به آن پناه بگیرند . در صورتی که زیر آن قیافه ، خوبی درندگی و عداوت ریشه دار خود را پنهان می دارند .

۲- پشت هم انداز و خوش افتادن

نکته این کار روشن است ، زیرا از آنجا که در باطن ایمان به گفته خود ندارند ، و گاهی تصور میکنند که ممکن است این شهر برای دیگران روشن گردد و رسوا شوند ، حتی عیب پوشی و ادا نمیکند که گرم سخن بگویند ، و با نشان دادن عنایت بیشتر ، نظریه را جلب کنند ، این افراد در سخن گفتن و پشت هم اندازی آنچنان ماهر و ورزیده اند که حتی گاهی نظریه امیر را ظاهراً به گفتار خود جلب مینمایند ، چنانکه آیه مورد بحث این مطلب را میسراند (و ان یقولوا نسمع لقلولهم) .

از این ظار ما باید گول چرب زبانی و تند گوئی و گرم سخن گفتن گروهی را تصوریم و لا اقل باید احتمال بدهیم که ممکن است این طرز بیان ، برای فریب دادن مایند نه برای دلسوزی بیخاطر حقیقت .

۳- مانند چوپالی هستند که به دیوار تکیه داشته اند

از آنجا که منافقان میر رسالت به مسجد رسول خدا می آمدند و در انتهای جمعیت در حالی که بر دیوارهای مسجد تکیه میزدند ، ولی کوچکترین بهره از وحی الهی و بیانات پیامبر نمی بردند و حقائق و مباحث را درک نمی کردند ، یک چنین جمعیت بیان اجسام بدون ارواح و یا چوپالی خشکی بودند که در برابر سخنان حکیمانه و بیانات منطقی کوچکترین واکنشی از خود نشان نمیدادند ، تو گوئی اسلام و وحی در بدن آنها وجود نداشت .

گاهی تصور میشود که مقصود از تشبیه آنان به چوپالی تکیه داده به دیوار ، اینست که آنها موجودات غیر عقیدتی میباشند ، زیرا چوب در صورتی منهدم خواهد بود که داخل کار دیوار استخوانی باشد ، و در غیر این صورت موجود مزاحم و غیر سودمندی خواهد بود .

این وجه تاجدی دوازده ظاهر آیه و مفهوم عرفی است ، ولی احتمال سومی نیز در اینجا هست که شاید از دو معنای پیش رو شتر و واضحتر باشد . زیرا میتوان گفت که مقصود از تشبیه آنها به چوپالی تکیه زده به دیوار اینست که آنها یاسان چوپالی خشک در برابر حوادث کوچکترین انعطاف ندارند و «خشوب» در لغت عرب همان چوب خشک غیر قابل انعطاف را میگویند که بر اثر فشار دو نیم میشود .

انعطاف پذیری در برابر حوادث بطرز صحیح یکی از نشانه های مردان مؤمن به هدف خویش میباشد ، و انعطاف در برابر حوادث با تعلق و جا پلوسی و این الوقت بودن و از این شاخه با ن شاخه پریدن فرقی روشنی دارد .

افراد این الوقت هدف مشخصی ندارند ، و به هیچ اصل یا بندی نیستند ، به هر رنگی در می آیند ، و با مساکین های گوناگون در صحنه زندگی ظاهر میشوند ، و برای سود شخصی همه اصول را زیر پا میگذارند .

ولی افراد انعطاف پذیر ، تا آنجا که به اصول و اهدافشان زبان و ضرورتی توجه نشود با مردم حتی با دشمن خود احیاناً کنار می آیند ، و برای حفظ اصول و پایه های و ایمان هدف از یک سلسله منافع میگذرند .

جهان طبیعت نما درس می آموزد طوفان سهمگینی از قطعاتی بر پیچید ، و در اشجار جوان و کهنسال ، و گلها و گیاهان و مزارع حمله میبرد ، سبزیهای مزارع و گیاهان و کلهای گلستان در برابر طوفان مقاومت نشان نموده و با انعطاف و خم شدن خاصی ، طوفان سهمگین را در میگذرند ، و پس از دقیقه های بحالت نخست بازمیگردند .

ولی درختان خشک و پادریختان کم انعطاف در برابر طوفان سینه سپر کرده و با صلابت خاصی ابراز مقاومت مینمایند ، اما پس از لحظاتی از پای در می آیند .

این حقیقت اجتماعی را پیامبر اسلام در یکی از سخنان خود بیان کرده میفرماید :
مثل المؤمن مثل السنبلة ! تحركها الريح فتقوم تارة و تقع اخرى ! و مثل الكافر مثل الازرة لا تزال قائمة حتی تنفجر (۱)

یعنی حال مؤمن مانند سنبلی است که باد تند آنرا حرکت میدهد ، گاهی می ایستد و گاهی خمیده میگردد ولی افراد کافر ، در نداشتن انعطاف و کنار نیامدن با مردم ، مانند درخت سختی هستند که در برابر تند باد حوادث از جای گنده میشوند .

افراد متناقض بر اثر نداشتن فکر و عقل درست و سالم ، حتی نسبت به آن اصولی که از ناحیه پیامبر پیشنهاد میشد ، صد درصد بنفع آنها بودند نیز احترام نمیگذاشتند ، از آنجا که آنها افراد کوردلی بودند ، هرگز حاضر نبودند که اصول و قوانین اسلامی را تحلیل و تجزیه کنند ، و لا اقل اصولی را که بنفع آنها و دیگرانست از مصمم دل پذیرند .

متناقضه طرح میدهد و نه مخرج می پذیرد ، او بر اثر بیماری «ففاق» کردار و گفتارش از محور عقل و خرد بیرونست ، در حالی که رسول خدا و مؤمنان به آئین وی با وجود جزین دشمنان خود در سرزمین «حدیبیه» کنار آمدند ، و انعطافی نشان دادند که گروه تندو و نزدیک بین را ناراحت ساخت .

(بقیه نشانه های متناقض را در شماره آینده مطالعه فرمائید)

(۱) روح البیان در تفسیر همین سوره : «ازره» درخت سختی است مانند سنوبر «تنفجر» از جای گنده میشود .